

## قرآن و صحیفه سجادیه؛ درونمایه‌های مشترک

احمد غلامعلی\*

### چکیده

صحیفه سجادیه، یادگار امام سجاد، کهن‌ترین و معتبرترین متن دعایی شیعیان است. کاستی‌هایی که در سلسله اسناد این کتاب وجود دارد، پرسش‌هایی را در صحت انتساب صحیفه به امام سجاد پدید آورده است. در پاسخ به شبهات موجود راه‌های گوناگونی وجود دارد که در این مقاله از نگاه متن‌شناختی و عرضه دعاهای صحیفه به قرآن، قرینه‌ای برای درستی انتساب کتاب نشان داده شده است. تضمین‌ها، تلمیح‌ها و نکات تفسیری صحیفه بررسی و ناسازگاری‌های ظاهری قرآن و صحیفه نیز پاسخی درخور یافته است.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه، تضمین، تلمیح، تفسیر قرآن.

### درآمد

صحیفه سجادیه از کتاب‌های معرفتی و معتبر میراث شیعی است که به سبب ناشناخته ماندن دو راوی نخست آن، یعنی «متوکل بن هارون» و «عمیر بن متوکل» نمی‌توان سند آن راه از دیدگاه علم رجال، صحیح خواند.<sup>۱</sup> راه‌کار شناخته شده برای تقویت چنین احادیثی، گردآوری قرینه‌هایی است که متن را تقویت کند و نسبت کتاب به گوینده را محکم‌تر نماید. یکی از قرینه‌ها، عرضه دعاهای صحیفه سجادیه به قرآن و سنت است. بر همین اساس، در این نوشتار تنها «درونمایه‌های مشترک قرآن و صحیفه» را بررسی کرده‌ایم تا بر درستی متن کتاب دست یازیم. در نخستین گام‌های پژوهش، به هم تنیدگی قرآن و صحیفه را آن‌چنان گسترده یافتیم که چنانچه تمامی موارد را گزارش نماییم، خود پژوهشی دراز دامن و مستقل خواهد شد. در بررسی دعاهای صحیفه، عبارت‌هایی رخ می‌نماید که آیه‌ای از قرآن، بدون تغییر، در متن دعا آمده است. ما این موارد را با عنوان «تضمین» آورده‌ایم؛ اما بیش از موارد تضمین آیات در صحیفه، اشارات و تلمیح‌های قرآنی فراوانی است که در صحیفه به کار رفته است.

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم حدیث.

۱. بیشتر روایات صحیفه به عمیر بن متوکل می‌رسد. عمیر از پدرش متوکل بن هارون و متوکل از امام صادق و یحیی بن زید، صحیفه سجادیه را روایت کرده است. در مقدمه صحیفه چگونگی دست یافتن متوکل بن هارون به صحیفه سجادیه به گونه‌ای گسترده بازگو شده است.

در بخشی از این نوشتار، اشارات و تلمیح‌های قرآنی صحیفه را برنموده‌ایم که در این موارد گاه، اطلاقی را تقیید و یا اجمال قرآنی را تبیین و در مواردی نکات مبهمی را تفسیر می‌کند.<sup>۲</sup> آنچه در بررسی رابطه قرآن و صحیفه مهم است، محتوای همسان آنهاست؛ برای نمونه، اگر بیشترین تأکیدات قرآن بر محور توحید است، صحیفه سجادیه نیز توحیدگراست. در جای جای صحیفه توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی تبیین شده‌است و یا اگر روح قرآن تقویت روحیه سپاسگزاری از منعم است، در همه جای صحیفه نیز سپاسگزاری از منعم نمایان است.

پیوند صحیفه سجادیه با قرآن را در محورهای گوناگون قابل بررسی است؛ مانند: تضمین‌های قرآنی، تلمیح‌های قرآنی، استنادات صحیفه به قرآن، تفسیر قرآن، شواهد قرآنی در صحیفه و عباراتی از صحیفه که با قرآن ناسازگار است.

در این نوشتار، گزارشی از تضمین‌ها، تلمیح‌ها و رابطه محتوایی صحیفه سجادیه با قرآن ارائه می‌شود تا پژوهشگران بر پایه آن بتوانند به موضوعات دیگری مانند تفسیر قرآن و استنادات قرآنی هم بپردازند.<sup>۳</sup>

### تضمین‌های قرآنی در صحیفه سجادیه

واژه تضمین به معنای گنجاندن چیزی در چیز دیگر است.<sup>۴</sup> و در اصطلاح علم بدیع، آن است که شاعر از عبارت یا مصرع و یا از بیتی از شاعر دیگر در شعر خود استفاده کند و اگر شاعری مشهور نبود، نامش را نیز بیاورد.<sup>۵</sup> پیشوایان دین برای انتقال بهتر و زیباتر مفاهیم دینی بارها از تضمین‌ها و تلمیح‌های قرآنی در سخنان خویش بهره برده‌اند<sup>۶</sup> و با خواندن قسمتی از آیه قرآن و یا بیان کلمه‌ای از قرآن، خواننده را به مفهوم گسترده قرآنی ارجاع داده‌اند. امام سجاد نیز در سخنان و ادعیه خود از این روش بهره برده است. آنچه به عنوان تضمین در این‌جا مراد است، عبارت‌هایی از صحیفه است که امام آیه را در ضمن دعای خویش آورده است. امام سجاد در هیجده دعای صحیفه سی بار آیات قرآن را عیناً در ضمن دعاهايش آورده است و بیش از ۲۱۵ بار به آیاتی از قرآن در ۴۷ دعای صحیفه اشاره کرده است. در برخی موارد با الفاظی مانند «قلت» تصریح می‌کند که عبارت پیش‌رو، آیه قرآن است، برای نمونه:

وَأَنْتَ الَّذِي نَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ<sup>۷</sup> وَ تَرَّ غَيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَ لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَ لَمْ تَلَحَّضْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتُ: أَذْكُرُونِي أذْكُرْكُمْ،

۲. بی‌تردید، اگر قرآن پژوهانی که سالیان سال بر خوان زوال‌ناپذیر قرآن نشسته‌اند، بر این مهم همت گمارند، نکات ارزشمندی را تبیین خواهند کرد؛ زیرا رابطه قرآن و صحیفه فراتر از گزارش‌های اندک ما از تضمین‌ها و تلمیح‌های قرآنی است.

۳. بیشترین استفاده نویسنده، در این موضوع، از برنامه نرم افزاری «دانش‌نامه صحیفه سجادیه»، ره‌آورد پژوهش محققان حوزه علمیه اصفهان و فهرس ریاض السالکین بوده است.

۴. رک: لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۵۷.

۵. فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، ص ۳۷۲.

۶. برای نمونه رک: فهرس تفصیلی نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مقدمه منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه.

۷. می‌تواند اشاره‌ای به سوره سبأ، آیه ۱۴ باشد: «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ».

وَ اشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ<sup>۸</sup>، وَ قُلْتَ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ<sup>۹</sup>. وَ قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنْ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ<sup>۱۰، ۱۱</sup>.

در این عبارت کوتاه، امام سه آیه از قرآن را در کلام خویش تضمین کرده و پس از آن، در عبارتی کوتاه تفسیری از آیه ۶۰ سوره غافر را ارائه نموده است:

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكْتَهُ اسْتِكْبَاراً، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَيَّ تَرَكَّهُ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ<sup>۱۲</sup>.

رابطه‌ای که امام میان دعا و عبادت برقرار کرده، با تأمل در آیه و ارتباط هر قسمت با قسمت پیشین نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که امام «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي» را با «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» پیوند زده و واژه شناخته شده دعا را به عبادت تفسیر کرده است. دقت در این روش، لایه‌های علمی تفسیر قرآن به قرآن را پر بارتر خواهد کرد.

امام در برخی از دعاها صحیفه، آیه‌ای از قرآن را در کلام دعایی خویش آورده است، بدون آن که با واژگانی مانند «قلت» بدان تصریح کند؛ برای نمونه:

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِراً لِيَبْتَدُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ لِيَتَسَبَّبُوا إِلَيَّ رِزْقَهُ، وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلِباً لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكُ الْأَجَلِ فِي آخِرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يَصْلُحُ شَأْنُهُمْ، وَ يَبْلُو أَخْيَارَهُمْ، وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى<sup>۱۳، ۱۴</sup>.

آیه‌ای که امام در دعا تضمین کرده است چنین است:

﴿وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾<sup>۱۵</sup>.

در این آیه هر چه را در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداوند می‌داند. امام در دعای خود به قسمتی از خلقت خداوند - که همان آفرینش روشنایی روز باشد - اشاره می‌کند و تمام سعی و تلاش آدمی را صحنه آزمون الهی می‌شناساند. در پی روزی رفتن، به سیر و سفر پرداختن، مراقبت از اوقات، اعمال و احکام واجب نمودن همگی برای رسیدن به پاداشی است که خداوند وعده داده است و بی‌اعتنایی به آنها کیفر الهی را فراهم می‌آورد.

در هیجده دعای صحیفه سجادیه، سی عبارت<sup>۱۶</sup> وجود دارد که آیه قرآن تضمین شده است. این موارد، عبارت‌هایی است که آیه قرآن، بدون فزونی و یا کاستی در آنها آمده است و چنانچه در میان آیه‌ای

8. سوره بقره، آیه 152: ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ﴾.

۹. سوره ابراهیم، آیه 7: ﴿وَ إِذْ تَأْتِنُ رَبُّكَ لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾.

10. سوره غافر، آیه 60: ﴿وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنْ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

11. الصحیفه السجادیة، دعای 45.

۱۲. همان.

۱۳. سوره نجم، آیه ۳۱.

۱۴. الصحیفه السجادیة، دعای ۶.

۱۵. سوره نجم، آیه ۳۱.

کلمه‌ای توضیحی وجود داشته باشد، در قسمت تضمین‌ها گزارش نشده است؛ برای نمونه، در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَ أَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.<sup>۱۷</sup>

در این دعا جمله «وَ قِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ»، اشاره‌ای به آیه «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>۱۸</sup> دارد، ولی واژه «برحمتک»، کلمه‌ای توضیحی است که در آیه قرآن نیست، از این روی در قسمت تضمین‌ها استفاده نشد.

اشارات قرآنی صحیفه سجادیه بسیار بیشتر از تضمین‌هاست. جدول شماره ۱ فهرستی از تضمین‌های صحیفه به همراه آیات قرآن است. دعاهایی که آیه‌ای از قرآن در آنها تضمین نشده است، عبارت‌اند از دعاهای:

۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۹، ۵۱ و ۵۳.

۱۶. با اندکی تسامح در تلمیح و تضمین تا ۳۴ آیه هم می‌توان شمارش کرد.

۱۷. *الصحيفة السجادية*، دعای ۲۰.

۱۸. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

جدول شماره 1: تضمینها

ردیف	متن دعا	دعا	آیه	سوره
1	تَمَّ ضَرْبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَخْطَأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَ يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ ذَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ، وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبِضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورِ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى.	1	﴿الَّذِينَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾	سوره نجم، آیه 31
2	تَقَسَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَ تَطَاهَرَتْ الْأَوْهَةُ، لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ.	1	﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ﴾	سوره انبیاء، آیه 23
3	وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ النَّبِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.		﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾	سوره فرقان، آیه 44
4	حَمْدًا يَضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرْزُخِ، وَ يَسْهَلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمُبْعَثِ، وَ يَشْرَفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ، يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يَنْصُرُونَ. حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابِ مَرْفُوعِ بِشْهَدَةِ الْمُقَرَّبُونَ.	1	﴿يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾	سوره غافر، آیه 17
			﴿يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يَنْصُرُونَ﴾	سوره دخان، آیه 41
			﴿كِتَابٍ مَرْفُوعٍ بِشْهَدَةِ الْمُقَرَّبُونَ﴾	سوره مطففين، آیه 20 و 21
5	فَمَا هَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ.	1	﴿رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾	سوره بقره، آیه 286
ردیف	متن دعا	دعا	آیه	سوره
6	فَعَزَّاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ. وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.	2	﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾	سوره توبه، آیه 33
7	وَ الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.	3	﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾	سوره حاقه، آیه 33

آیه 30 و 31				
سوره رعد، آیه 24	﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَعِمَّ غُفْبِي الدَّارِ﴾	3	وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَعِمَّ غُفْبِي الدَّارِ.	8
سوره حاقه، آیه 30 و 31	﴿خُدُوهُ فَعَلُوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ﴾	3	الرَّبَّانِيَّةِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ خُدُوهُ فَعَلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ يَنْظُرُوهُ.	9
سوره ق، آیه 21	﴿كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ﴾	3	فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ.	10
سوره حشر، آیه 10	﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾	3	اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ.	11
سوره نجم، آیه 31	﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنِي﴾	6	وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَنْتَبِعُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ لِيَتَسَبَّوْا إِلَى رِزْقِهِ، وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلِبًا لِمَا فِيهِ نَيْلَ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكَ الْأَجَلِ فِي أَخْرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يَصْلُحُ شَأْنَهُمْ، وَ يَبْلُو أَخْبَارَهُمْ، وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنِي.	12
سوره مدثر، آیه 56	﴿وَ مَا يَنْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوِي وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾	12	وَ لَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوِي وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.	13
سوره غافر، آیه 7	﴿الَّذِينَ يَخْمَلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يَسْتَبْخُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾	16	أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا.	14
سوره	آیه	دعا	متن دعا	﴿ق﴾
سوره اعراف، آیه 188	﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسَّنِي السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾	20	إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَ اعْتَرَفْتُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قِلَّةِ حِيلَتِي.	15
سوره جاثيه، آیه 22	﴿وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِنَجْزِي كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾	24	وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُفُوقِ لِلْأَبْيَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ.	16
سوره بقره، آیه 201	﴿وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾	25	اللَّهُمَّ اعطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ أَعِدْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَ اعطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	17

			عَفُوٌّ غَفُورٌ رَّؤُوفٌ رَحِيمٌ. وَ إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.	
سوره ذاریات، آیه 22و23	﴿وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ * فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تُنطِفُونَ﴾	29	وَ اجْعَلْ مَا صَرَخْتَ بِهِ مِنْ عَذَابِكَ فِي وَحْيِكَ، وَ اتَّبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعاً لَإِهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتُ بِهِ، وَ حَسْماً لِلْإِسْتِغَالِ بِمَا ضَمَمْتَ الْكُفْيَةَ لَهُ فَكَلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقِّ الْأَصْدَقِ، وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمْتَ الْأَبْرَ الْأَوْفَى وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ. ثُمَّ قُلْتَ فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تُنطِفُونَ.	18
سوره غافر، آیه 60	﴿وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾	31	اللَّهُمَّ فَهَذَا إِذَا قَدْ جِئْتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنْ الدَّعَاءِ، مُتَّجِزاً وَ عَذَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.	19
سوره بقره، آیه 185	﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكْتَبِرُوا اللَّهَ عَلَيَّ مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾	44	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهْرِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِّلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ.	20
سوره	آیه	دعا	متن دعا	﴿ق﴾
سوره قدر، آیه 3و4	لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾	44	تُحْتَفَلُ لَيْلَةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ لَيَالِيهِ عَلَيَّ لِيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَاهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، تَنزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ.	21
سوره مؤمنون، آیه 11	﴿الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفُرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾			
سوره مؤمنون، آیه 60	﴿وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾	44	اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفُرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَ مِنَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ.	22
سوره مؤمنون، آیه 61	﴿أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾			
سوره	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ	45	أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَىٰ عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْبَابَ	23

آیه	سوره	دعا	متن دعا	آیه	سوره
تحریم، آیه 8			ذليلاً من وحيك لئلا يضلوا عنه، فقلت تبارك اسمك ثوبوا الي الله ثوبه نصحاً عسي ربكم ان يكفر عنكم سيناتكم و يدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار. يوم لا يخزي الله النبي و الذين آمنوا معه، نورهم يسعى بين أيديهم و بأيمانهم، يقولون ربنا أتمم لنا نورنا، و اغفر لنا، إنك علي كل شيء قدير. فما عذر من اغفل دخول ذلك المنزل بعد فتح الباب و إقامة الدليل.		
			و أنت الذي زدت في الصوم علي نفسك ليعبادك، تريد ربهم في متاجرتهم لك، و فوزهم بالوفادة عليك، و الزيادة منك، فقلت تبارك اسمك و تعاليت من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها، و من جاء بالسئنة فلا يجزي إلا مثلها. و قلت مثل الذين ينفقون أموالهم في سبيل الله كما مثل حبة أنبتت سبع سنابل في كل سنبله مائة حبة، و الله يضاعف لمن يشاء، و قلت من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة. و ما أنزلت من نظائرهن في القرآن من تضاعيف الحسنات.		
	سورة انعام، آیه 160			﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾	
	سورة بقره، آیه 261	45		﴿مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةٍ آتَيْتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾	24
	سورة بقره، آیه 245			﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ الله قرضاً حسناً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة و الله يقبض و يبسط و إليه ترجعون﴾	
	سورة بقره، آیه 152			﴿فادكروني أذكركم و اشكروا لي و لا تكفرون﴾	
	سورة ابراهيم، آیه 7	45		﴿و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابي لشديد﴾	25



شماره	متن دعا	دعا	آیه	سوره
			﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾	سوره غافر، آیه 60
26	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَالُوهِ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّجِيبٌ، وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.	47	﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾	سوره فاتحه، آیه 2
27	أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَهْمَا فَسَمْتٌ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ بَرَكَةٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تُمْنُ بِهِ عَلَيْهِمْ تُهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ تُصِيبِي مِنِّي.	48	﴿بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنِّي يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾	سوره انعام، آیه 101
28	اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بَشَّرْتَنِي بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْتُلُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْ، فَيَا سَوَاتِنَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابِكَ.	50	﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْتُلُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾	سوره زمر، آیه 53
29	يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ، وَ كَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ خَالِقُهُ.	52	﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ﴾	سوره آل عمران، آیه 5
30	يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.	54	﴿لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾	سوره اخلاص، آیه 3و4

تلمیح‌های قرآنی در صحیفه سجادیه

واژه تلمیح در لغت به معنای نمودن، آشکار کردن و اشاره کردن به چیزی است<sup>۱۹</sup> و در اصطلاح علم بدیع، اشاره کردن به آیه، حدیث، شعر و یا قصه مشهور در اثنای کلام است، بدون آن که تصریح کند.<sup>۲۰</sup> صحیفه سجادیه تلمیحات فراوانی از قرآن را در خود جای داده است. ۲۱۸ تلمیح در ۴۷ دعای صحیفه شمارش شده است. برای دعاهای ۱۵، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۶ و ۳۹ اشاره‌ای صریح یافت نشد. در این نوشتار تنها نمونه‌هایی از تلمیح‌های قرآنی در دو دعای اول صحیفه را در جدول شماره ۲ نشان می‌دهیم.

جدول شماره ۲: اشارات و تلمیحا

سوره	آیه	ق	متن دعا	ت
سوره حدید، آیه ۳	﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾	1	الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ.	1
سوره انعام، آیه 103	﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾	1	الَّذِي قَصَرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ.	2
سوره انسان، آیه 30	﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾	1	اِتَّبَعْ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ اِتِّدَاعًا، وَاخْتَرْهُمْ عَلَيَّ مَشِيبَةً اخْتِرَاعًا.	3
سوره بقره، آیه 117	﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾			
سوره انسان، آیه 30	﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾	1	ثُمَّ سَلَّكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِزَاتِهِ.	4
سوره اسراء، آیه 30	﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾			
سوره زخرف، آیه 32	﴿أَلَمْ يَسْمُورْ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحِمْتَ رَبُّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾	1	وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ.	5
سوره	آیه	ق	متن دعا	ت
سوره	﴿وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾	1	ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا.	6

۱۹. لسان العرب، ج ۲، ص ۵۸۴.

۲۰. منهاج البراعة، ج ۱، ص ۱۸۳.

اعراف، آیه 34				
سوره اسراء، آیه 57	﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾	1	قَبْضَهُ إِلَيَّ مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مُؤَفَّرٍ تَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورٍ عِقَابِهِ.	7
سوره قیامه، آیه 10-7	﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَ خَسَفَ الْقَمَرُ وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ﴾	1	حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتْ الْأَبْصَارُ، وَ تَبْيِضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ.	8
سوره آل عمران، آیه 106	﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾	1	حَمْدًا نَزَّاجِمٌ بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نَضَامٌ بِهِ أَنْبِيَآءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَ مَحَلٌّ كِرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.	9
سوره فاطر، آیه 35	﴿الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ قَبْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾	1	﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾	10
سوره غافر، آیه 64	﴿وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مَسْرُورَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾	1	وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَيَّ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِفُتْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ إِلَيَّ طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.	11
سوره نجم، آیه 48	﴿وَ أَنَّهُ هُوَ أَعْنِي وَ أَقْنِي﴾	1	وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ.	12
سوره محمد، آیه 31	﴿وَ تَنبَلُونَكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ تَبْلُغُوا أَخْبَارَكُمْ﴾	1	ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبْتَلَىٰ شُكْرَنَا.	13
سوره یونس، آیه 11	﴿وَ لَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾	1	فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مَثُونَ زَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعَفْوَتِهِ، وَ لَمْ يَعَاجِلْنَا بِبِقَمَّتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا، وَ انْتَهَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ جَلْمًا.	14
سوره	آیه	و	متن دعا	۱۳
سوره بقره، آیه 286	﴿لَا يَكْفُرُ اللَّهُ تَفْسًا إِلَّا وَسَّعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَيَّ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾	1	فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَتْلَانَا، لَقَدْ وَضَعَ عَلَانَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ لَمْ يَكْفُلْنَا إِلَّا وَسْعًا، وَ لَمْ يَجْشَمْنَا إِلَّا بِسْرًا، وَ لَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَ لَا عُدْرًا.	15

سوره بقره، آیه 185	﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾			
سوره آل عمران، آیه 164	﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾	2	16	وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ .
سوره بقره، آیه 143	﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾	2	17	فَخَتَمَ بِنَا عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ ذَرَأَ، وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَيَّ مِنْ جَحَدٍ، وَ كَثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَيَّ مِنْ قَلِّ .
سوره انبياء، آیه 107	﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾	2	18	اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ امِينِكَ عَلَيَّ وَ خِيكَ، وَ نَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِّيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ .
سوره شعراء، آیه 3	﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ إِلَّا بِكُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾	2	19	وَ أَتَعْبَهَا بِالذُّعَاءِ إِلَيَّ مَلَّتِكَ .
سوره فاطر، آیه 8	﴿فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾			
سوره صف، آیه 9	﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾	2	20	فَعَزَّاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .
سوره فرقان، آیه 70	﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾			يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ .

### تحلیل و بررسی اشارات قرآنی صحیفه سجادیه

تحلیل و بررسی تضمین‌ها و تلمیح‌های قرآنی در صحیفه سجادیه بسیار گسترده و از محدوده پژوهش ما فراتر است. اما با بررسی برخی ارتباط‌های کتاب صحیفه سجادیه با قرآن می‌توان زمینه اعتباربخشی به متن صحیفه را فراهم آورد. به دیگر سخن، در این تحلیل نمی‌توان تنها با شمارش و تحلیل تضمین‌ها و تلمیح‌ها به صحت یک متن حکم کرد، ولی هم‌آوایی متن صحیفه با قرآن می‌تواند قرینه‌ای مهم برای افزایش اعتبار صحیفه سجادیه باشد. در این پژوهش، نخست، موضوعی مشترک میان قرآن و صحیفه و سپس برخی ارتباط‌های تفسیری را بررسی می‌نماییم.

## انسجام موضوعی

انسجام محتوایی قرآن و صحیفه تنها به اشارات و تلمیح‌ها محدود نمی‌شود، بلکه تضمین‌ها نیز انسجام محتوایی خاصی با قرآن دارند، ولی از آن‌جا که رابطه تضمین با آیات قرآن آشکارتر است، تنها به بررسی انسجام محتوایی در اشارات قرآنی پرداخته‌ایم. اشارات قرآنی صحیفه سجادیه بسیار فراوان است؛ برای بهره‌مندی بیشتر از رابطه قرآن و صحیفه، موضوعات پرسامدی مانند توحید، نبوت، امامت، معاد، اسلام، ملائکه، اخلاق و... را باید به گونه‌ای تطبیقی میان قرآن و صحیفه بررسی کرد و آن‌گاه، میزان تطابق یک موضوع در دو کتاب را به دست آورد. از آن‌جا که موضوع توحید زیر بنای تفکر اسلامی است و همه مسلمانان بر یگانگی خداوند هم‌داستان‌اند و از سویی، برخی برداشتهای مفسران دین با آموزه‌های قرآنی ناسازگار است، توحید و صفات خداوند در صحیفه و قرآن را مطابقت داده‌ایم.

### توحید

مهم‌ترین موضوع صحیفه، نگاه توحیدی امام سجاد است. امام در دعا‌های خود، آیات توحیدی را تبیین کرده است. اینک چند نمونه از تبیین‌های امام را بررسی می‌کنیم و سایر نمونه‌ها را در جدول شماره ۲ می‌توان دید.

در نگاه نخست، مراتب توحید در صحیفه سجادیه را با مراتب توحید در قرآن می‌سنجیم و آن‌گاه، پاره‌ای از صفات ثبوتی و سلبی را از منظر این دو اثر ناگسستگی پی می‌گیریم.

۱. توحید ذاتی: نفی شریک، شبیه و جزء از ذات قدس باری تعالی را توحید ذاتی گویند. اعتقاد به این مرتبه از توحید نخستین مراتب یکتاپرستی است. جمله معروف «لا اله الا الله» بیانگر توحید ذاتی خداوند است. امام سجاد اعتقاد به توحید ذاتی را چنین تبیین فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً، وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ  
مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَ سَاعَتِي هَذِهِ وَ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ مُسْتَقَرِّي هَذَا، إِنِّي  
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَانِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رُوُوفٌ بِالْعِبَادِ،  
مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ.<sup>۲۱</sup>

امام در این دعا، افزون بر شهادت به یگانگی خدا، او را با ویژگی برپاکننده عدالت ستود. قرآن نیز شهادت به یکتایی خداوند را با صفت «قائماً بالقسط» همنشین کرده است.

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ﴾.<sup>۲۲</sup>

۲. توحید صفاتی: دومین مرتبه از توحید، یکی دانستن صفات ذاتی خداوند مانند علم و قدرت او با ذات خداوندی است. به دیگر سخن صفات یاد شده جدای از ذات حق تعالی نیست. همیشگی بودن خداوند از صفاتی است که نمی‌توان از او جدا کرد. خداوند بوده است و خواهد بود. امام سجاد زوال ناپذیری خداوند را چنین توصیف کرد:

21. الصحیفه السجادیة، دعای 6.

22. سوره آل عمران، آیه ۱۸.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِمَا أَوْلَى كَمَا قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِمَا آخِرِ يَكُونُ بَعْدَهُ.<sup>۲۳</sup>

عبارت امام اشاره‌ای است به آیه‌ای از قرآن:

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾.<sup>۲۴</sup>

امام در دعای خود معنای اول و آخر بودن خداوند را هم تبیین کرد تا اجمال نهفته در آیه برطرف شود. آیه قرآن پاسخی به پرسشی نهفته در میان آدمیان است که پیش از خدا چه کسی بوده است؟ خداوند با نزول این آیه، همیشگی بودن خود را اعلام فرمود. امام سجاده در دعای دیگری از صحیفه سجادیه اوصاف اول و آخر بودن خدا را به بیانی دیگر تبیین کرد:

و انت الله لا اله الا انت، الاول قبل كل احد و الاخر بعد كل عدد.<sup>۲۵</sup>

با این بیان، نامتناهی بودن خدای تعالی را ثابت کرد. اعداد نامتناهی‌اند، زیرا هر عددی را نهایت فرض کنیم، می‌توان عدد دیگر بر آن افزود. امام علی بن الحسین از همین روش بهره برد و ماورای عدد بی‌نهایت را - که در تصور نیاید - خدا دانست.

علم خدا نیز از صفات ناگسستگی از ذات اوست. امام در دعای خود خدا را چنین خواند:

و يا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفْضُخُنَا لَدَيْكَ.<sup>۲۶</sup>

خداوند بر همه آنچه نهان و آشکار است، سیطره علمی دارد. این نظریه اشاره‌ای لطیف به آیات قرآن است:

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا نُخْفِي وَ مَا نُعْلِنُ وَ مَا يُخْفِي عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ﴾.<sup>۲۷</sup>

در دعاهای دیگر صحیفه صفت علیم و عالم بودن خدا تکرار شده است.<sup>۲۸</sup>

3. توحید افعالی: مرتبه بالاتر از توحید ذاتی و صفاتی، توحید افعالی است. توحید افعالی بدین معناست که هر فعلی که در این جهان به وقوع می‌پیوندد، زیر سیطره الهی و خواست و تقدیر خدای متعال است و هیچ فاعلی به موازات خالق و یا مستقل از او وجود ندارد و این معنا بر همه افعال الهی منطبق است که از زمره مهم‌ترین آنها، آفرینش، ربوبیت و تدبیر است.<sup>۲۹</sup> تبیین توحید افعالی در زمان امام سجاده بسیار مهم بوده است، زیرا جریان حاکم اموی سعی در ترویج جبرگرایی داشت و رفتارهای ناشایست خود را به خداوند منسوب می‌کرد. امام در این دوره بر اختیاری بودن عملکردهای انسان تأکید می‌کرد و از

23. الصحیفة السجادیة، دعای 1.

24. سوره حدید، آیه 3.

25. الصحیفة السجادیة، دعای 47.

26. همان، دعای 5.

27. سوره ابراهیم، آیه 28.

28. رک: همان، دعاهای 26، 52 و ...

29. دانشنامه عقاید اسلامی، ج 5، ص 85.

سویی، استقلال هیچ فاعلی را از خداوند و یا هم عرض خدای تعالی نمی‌پذیرفت. نمونه‌های توحید افعالی در صحیفه از دیگر نمونه‌های توحید بیشتر نمایانگر است؛ برای نمونه توحید در آفرینش:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ. .. يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبِيَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْدُوهُمْ بِهِ، وَ يَنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ.**<sup>۳۰</sup>

امام در این دعا یگانگی خدای تعالی را در پدید آوردن حرکات آسمان و زمین برای کاهش و افزایش شب و روز می‌ستاید و از همان تعبیری بهره می‌جوید که خداوند در قرآن، بهره برده است:

**﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾.**<sup>۳۱</sup>

نمونه دیگر از توحید افعالی، یگانگی خداوند در تدبیر روزی بندگان است. امام در جای جای صحیفه تدبیر روزی را به خدا نسبت داده است؛ برای نمونه:

**وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّتاً مَعْلُوماً مَفْسُوماً مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مِنْ نَقْصٍ مِنْهُمْ زَائِدٌ.**

دعای امام برای مقدر بودن روزی در آیات قرآن<sup>۳۲</sup> چنین آمده است:

**﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيراً بَصِيراً﴾.**<sup>۳۳</sup>

و یا خداوند در آیه دیگر، فلسفه تقسیم روزی و اختلاف طبقاتی را به خود نسبت داده است و در پاسخ کسانی که در امر نبوت دخالت می‌کنند، می‌فرماید:

**﴿أَ هُمْ يَفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سَخْرِيّاً وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾.**<sup>۳۴</sup>

۴. توحید در اطاعت: یگانه پرستی خدا در فرمان‌بری، توحید اطاعت نامیده می‌شود. انسان در منطق دینی باید در همه کارهای خود تنها از خدا اطاعت کند. در نگرش دینی زینده نیست که آدمی در اعتقاد یکتا پرست باشد و در رفتار، از غیر خداوند فرمان برد. فرمان روایانی که به دستورات خدا بی‌اعتنا باشند و خود فرمان صادر کنند، طاعت نامیده می‌شوند و کسانی در زمره اولیاء خداوند قرار می‌گیرند که از خدا اطاعت کنند و از هر چه غیر اوست دست شویند:

**﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّغُوتِ وَ يُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا﴾.**<sup>۳۵</sup>

۳۰. الصحیفه السجاده، دعای ۶.

۳۱. سوره فاطر، آیه ۱۳.

۳۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سوره رعد، آیه ۲۶؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۲؛ سوره روم، آیه ۳۷؛ سوره سبأ، آیه ۳۹؛ سوره شوری، آیه ۱۲؛ سوره حجر، آیه ۲۱؛ سوره هود، آیه ۶؛ سوره شعراء، آیه ۷۹.

۳۳. سوره اسراء، آیه ۳۰.

۳۴. سوره زخرف، آیه ۳۲.

۳۵. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

یکتا پرستی با هیچ فرمان برداری دیگر فراهم نمی آید. قرآن حتی فرمان بردن از نفس را هم - که در توهّم انسان به او بسیار نزدیک است - را رد می کند، و در توییخ فرمان برداران از نفس می فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾<sup>۳۶</sup>

امام سجاد در مناجات خویش، از پیروی هوای نفس و نیز از بزرگ شمردن اطاعت خداوند به خدای تعالی پناه می برد و توحید در اطاعت را خواستار است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى... وَ اسْتِغْبَارِ الطَّاعَةِ<sup>۳۷</sup>

صحیفه سجادیه نه تنها اطاعت از طاغوت را نفی می کند، بلکه مدد جستن از ستمگران را هم با روح قرآن سازگار نمی داند. امام سجاد فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعُضُدَ ظَالِمًا.

دعای امام اشاره است به آیه:

رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ<sup>۳۸</sup>

۵. **توحید عبادی:** بالاترین مرتبه توحید، توحید عبادی است. در این مرتبه عابد تنها خدا را شایسته عبادت می داند و در برابر خداوند نرمش و فروتنی کند.<sup>۳۹</sup> آنان که به این مقام دست یابند، خدا را با پیراسته جانی می خوانند و در برابر فروتنی و عبادت خدا هیچ نمی خواهند. زین العابدین، در توصیف عبادت فرشتگان توحید عبادی آنان را توصیف کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَ لَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ، وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا يُوْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَيَّ الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ، وَ لَا يَغْفَلُونَ عَنِ الْوَلِيِّ إِلَيْكَ<sup>۴۰</sup>

امام در همین عبارت کوتاه به چندین آیه قرآن اشاره کرده است که ما تنها قسمت «وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ» را که توحید عبادی است، از قرآن شاهد می آوریم:

﴿وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾<sup>۴۱</sup>

### صفات خداوند در قرآن و صحیفه سجادیه

پس از آن که مراتب توحید را در صحیفه سجادیه بر قرآن عرضه کردیم و یکسانی آنها را یافتیم، از مقایسه صفات خداوند در قرآن و صحیفه سجادیه نیز به نتایج زیبایی رسیده ایم. صفات ثبوتی خداوند،

۳۶. سوره جاثیه، آیه ۲۳.

۳۷. الصحیفه السجادیة، دعای ۸.

۳۸. سوره قصص، آیه ۱۷.

۳۹. دانش نامه عقاید اسلامی، ص ۱۲۱.

۴۰. الصحیفه السجادیة، دعای ۳.

۴۱. سوره انبیاء، آیه ۱۹.



مانند: اول، آخر، تواب، غنی، مفضل، مهلک، رازق، محیط، رقیب، وارث، مجیب، سمیع، علیم، غفور، روؤف، رحیم، هادی و... صفات سلبی، مانند: فرزند داشتن، دگرگونی و... نیز در صحیفه تضمین و یا تلمیح شده است؛<sup>۴۲</sup> برای نمونه یکی از صفات خداوند مفضل یا مَفْضَل بودن است. مفضل به معنای کسی است که بیش از استحقاق می‌بخشد و نیکی می‌کند.<sup>۴۳</sup> امام در دعای خود خدا را چنین می‌خواند:

وَ يَا مَنْ لَا يَكْفِي عَبْدُهُ عَلَي السَّوَاءِ.<sup>۴۴</sup>

اگر چه در این عبارت کلمات قرآنی نیست، اما همین مضمون را در آیه زیر می‌توان یافت:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾.<sup>۴۵</sup>

و یا در قسمتی دیگر از همین دعا آمده است:

وَ أَنْتَ الَّذِي زِدْتِ فِي السَّوْمِ عَلَي نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبُّهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزُهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ.<sup>۴۶</sup>

این قسمت دعا نیز مستند قرآنی دیگری دارد:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾.<sup>۴۷</sup>

نکته زیبایی که در رابطه قرآن و صحیفه می‌توان یافت، دقت‌های لطیفی است که در درخواست‌ها و سخنان امام یافت می‌شود. در دو عبارت پیشین صفت مفضل بودن خداوند در صحیفه سجادیه منعکس شد. اما بر اساس آیات قرآن فزون بخشی خداوند به مؤمنان و یا نیکوکاران اختصاص دارد. امام نیز در همین دعا فزون بخشی را برای کسانی می‌داند که با خدا معامله می‌کنند و یا بندگی او را به جای می‌آورند. هر چند تمام مخلوقات سهم معینی در نزد خداوند دارند<sup>۴۸</sup> ولی فزون بخشی به کسانی اختصاص دارد که در اطاعت، فرمان خدا را بر خواهش‌های خویش مقدم دارند.

نمونه‌ای از صفات سلبی خداوند، پدر و فرزند برای خدای تعالی تصور کردن است. امام سجاد در دعای خویش خدا را چنین توصیف کرد:

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ.

دعای امام اشاره‌ای به آیات مانوس زیر است:

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾.<sup>۴۹</sup>

۴۲. به جدول ۱ و ۲ مراجعه کنید.

۴۳. معجم مقاییس اللغة، ص ۷۸۷.

۴۴. الصحیفه السجادیة، دعای ۴۵.

۴۵. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۴۶. الصحیفه السجادیة، دعای ۴۵.

۴۷. سوره نساء، آیه ۱۷۳.

۴۸. رک: دعای ۱۶: «أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا؛ تویی که از نعمت‌های خویش هر آفریده را بهره‌ای داده‌ای». این

دعا نیز اشاره‌ای به آیه ۵۰ سوره طه است: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى».

۴۹. سوره اخلاص، آیات ۲ - ۴.

در دعاهای امام، گاه مواردی دیده می‌شود که حضرت خواسته خویش را با صفات متعدد خداوند قرین می‌سازد. به نظر می‌رسد که امام در این دعاها، تأثیر صفات الهی را در برآورده شدن حاجات آموزش داده است: برای نمونه، امام در دعای بیست و ششم درخواست نیکوی خود را برای عموم مسلمانان و مؤمنان می‌طلبد و بر آورده شدن آن را با صفات هشت‌گانه الهی هم‌نشین می‌سازد و با تلمیح زیبایی به آیه قرآن قریب بودن خداوند را سبب برآورده شدن حاجات می‌داند:

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعِدَّنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتَنِي لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوٌّ رُوؤْفٌ رَحِيمٌ.

دعای حضرت تلمیحی از آیه زیر است:

وَ إِذَا سَأَلْتَنِي عِبَادِي عَنِّي فَأِنِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِعَلْمِهِمْ يَرْشُدُونَ.<sup>۵۰</sup>

برخی دیگر از صفات خداوند را به همراه موضوعات پرسامدی مانند نبوت را در جدول شماره ۲ (تلمیح‌های قرآنی صحیفه) گزارش کرده‌ایم. البته پر واضح است که فهرست اشارات قرآنی صحیفه تنها نمایی از به هم پیوستگی صحیفه سجادیه با قرآن را نشان می‌دهد. بررسی دقیق هر موضوعی نیازمند شناخت زمان و جریانهای آن دوره است: برای نمونه، دعای دوم صحیفه سجادیه در توصیف پیامبر اعظم است. ارزش عبارتهای دعا هنگامی نمایان می‌شود که حوادث سال‌های ۸۵ تا ۹۴ هجری را مرور کنیم.<sup>۵۱</sup> گستاخی نظام حاکم، سبب شد تا حاکم مکه در سال ۸۹ هجری در سخنرانی خود مقام خلیفه را از رسول خدا برتر بداند و چاه آب حفر شده به وسیله ولید بن عبدالملک را از زمزم با ارزش‌تر شمارد.<sup>۵۲</sup> در همین فضا امام سجاد در توصیف پیامبر فرمود:

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ وَ إِنَّ عَظْمًا، وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَ إِنَّ لَطْفًا.<sup>۵۳</sup>

«مَنْ» به معنای نعمتی بزرگ و سنگین است، هرچند در فرهنگ ما منت مفهومی ناپسند دارد، اما حقیقت آن است که منعم احساس خردی در برابر کسی می‌کند که نعمتی بزرگ را در اختیارش نهاده است و ولی نعمت او هم نیست. از همین روی، فرزند در برابر نعمت‌های پدر و یا زن در برابر نعمت‌هایی که شوهر در اختیارش می‌گذارد، احساس حقارت نمی‌کند. امام سجاد در معرفی پیامبر از فعل «مَنْ»

۵۰. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۵۱. سال تولد زید بن علی، دهه هشتم هجری است و در حدود سال‌های ۷۵ تا ۸۰ به دنیا آمده است و امام نیز دعاهای صحیفه را بر فرزندانش امام باقر و زید املا کرده است. طبیعی است که زید باید در سنین تحمل حدیث و نگارش آن بوده باشد. از این روی، بررسی حوادث سال‌های ۸۵ تا ۹۴ موضوعیت دارد.

۵۲. طبری در حوادث سال ۸۹ می‌نویسد: نافع مولی بنی مخزوم گوید: شنیدم که خالد بن عبد الله (حاکم مکه) بر منبر مکه می‌گفت: «ای مردم کدام یک بزرگ‌ترند، جانشین مرد بر کسانش یا فرستاده وی سوی آنها؟ به خدا! اگر برتری جانشین را نمی‌دانید، بدانید که ابراهیم خلیل الرحمان آب خواست و خدای آب شور بدو داد، اما خلیفه از او آب خواست و آب خوشگوار بدو داد». گوید: ولید بن عبد الملک میان دو تپه، تپه طوری و تپه حجون، چاهی بکند که آب آن را می‌بردند در حوضی چرمین بر کنار زمزم می‌نهادند تا برتری آن بر زمزم معلوم شود (تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۴۴۰).

۵۳. الصحیفه السجادیة، دعای ۲.

استفاده کرد تا بزرگی رسالت و مقام پیامبر را برساند و از سویی، برای مسلمانانی که با قرآن آشنایی دارند، نعمت بزرگ خداوندی را یاد آورد:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.<sup>۵۴</sup>

امام در قسمتی دیگر از همین دعا پیامبر را «امام الرحمة» و «مفتاح البركة» می‌خواند. این تعابیر در سرزمینی که حاکم آن، ولید بن عبد الملک را از ابراهیم خلیل با برکت‌تر می‌داند، بسیار پر معناست:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَ خِيكَ، وَ نَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَ فَائِدَ الْخَيْرِ، وَ مِفْتَاحَ الْبِرِّكَةِ.

با تأملی در آیات قرآن، رحمت و برکت پیامبر را می‌توان دریافت:

﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾.<sup>۵۵</sup>

و وجود مبارکش آن چنان با برکت بود که خداوند به او تضمین داد تا هنگامی که در میان امتش است، برایشان عذاب نفرماید:

﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ﴾.<sup>۵۶</sup>

### رابطه تفسیری

افزون بر رابطه محتوایی صحیفه - که در عنوان انسجام محتوایی گزارش شد - نکته‌های تفسیری صحیفه سجادیه هم درخور تأمل صحیفه پژوهان است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. پیش از آن، توجه به این نکته شایسته است که ارزش نکته‌های تفسیری صحیفه سجادیه زمانی آشکارتر می‌شود که برداشت‌های تفسیری امام با مفسران تابعی مانند مجاهد، سعید بن مسیب، سعید بن جبیر و دیگران سنجیده شود. بیشترین تأکید تفسیر تابعیان در لغت‌شناسی و تبیین معنای کلمه است<sup>۵۷</sup>؛ در حالی که بیان تفسیری امام به گونه‌ای است که آیه قرآن کاربردی شود و پرده از ظاهر قرآن کنار رود. امام آیه را آن‌سان تبیین کرده است که مشتاقان قرآن بتوانند بر اساس تفسیر امام خودسازی کنند. دقت در نکته‌های تفسیری اهل بیت بازگشت به معنای ماورایی قرآن و دستور العمل خودسازی و جامعه سازی است. قرآن کتاب بی‌نظیری است که برای همگان سودمند است. نگاه به قرآن، خواندن قرآن و حتی نگهداری قرآن در خانه سفارش شده است.<sup>۵۸</sup> تفکر در قرآن و عمل به آن از بالاترین مراتب انس با قرآن است. دقت در ارتباطات استوار قرآن و صحیفه، راه کارهای استفاده از قرآن را نشان می‌دهد. امام در دعا‌های خود مضامین قرآن را آن‌چنان تفسیر می‌کند که حس عمل کردن و به کار بستن دستورات الهی

۵۴. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۵۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۵۶. سوره انفال، آیه ۳۳.

۵۷. ر.ک: مکاتیب تفسیری، ص ۱۸۹ - ۲۶۶.

۵۸. مراتب انس با قرآن در روایات.

برای دست یافتن به افق‌های ترسیم شده در مشتاقان قرآن بر انگیزخته می‌شود؛ برای نمونه، کسانی که با فرهنگ قرآنی آشنا نبیند، زهد و ارزش آن را می‌دانند. زاهد، در منطق دینی، کسی است که تسلیم شرایط نمی‌شود و شرایط پیرامونی بر او اثر ندارد؛ اما چگونه می‌توان به این مقام آزادگی دست یازید؟  
تعریف زهد واقعی در آیه **﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾**<sup>۵۹</sup> آمده است. این آیه پس از آن است که دیدگاه اعتقادی انسان کامل شود و منشأ اثر را تنها خدا بداند، در آیه پیش از این می‌خوانیم: **﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَ أَهَآ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾**. امام سجاد در دعای خود راه کار عملی دستیابی به چنین مقامی را ستایش و مدح و سپاس دائمی خداوند می‌داند و کسی که بتواند در هر حالی تمام یاد خویش را متوجه خدا نماید، بی‌تردید روی آوردن دنیا خرسندش نمی‌کند و رویگردانی دنیا نیز در او بی‌تأثیر است:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَانِي عَلَيْكَ، وَ مَدْحِي إِيَّاكَ، وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّىٰ لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا.**<sup>۶۰</sup>

یکی دیگر از مواردی که در قرآن نیازمند تأمل و تفکر است، حکمت‌ها و مثل‌های قرآنی است. شناخت مثل‌های قرآن برای ره‌یافت دین ضروری است و از سویی، قرآن کریم طرح کردن مثل‌ها را برای پند پذیری<sup>۶۱</sup> و اندیشیدن<sup>۶۲</sup> می‌داند و تنها دانشوران هستند که می‌توانند مثل‌های قرآنی را دریابند:

**﴿و تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾.**<sup>۶۳</sup>

امام سجاد در دعای خویش راه کار رسیدن به این مرتبه راه، انس شبانگاهی با قرآن می‌داند؛ انسی که بتواند، کشش‌ها و گرایش‌های شیطانی را واپس زند، از گناهان بازدارد و زبان را در کنترل قرآن در آورد. گویا ویژگی‌هایی که امام برشمرد، خصوصیات دانایانی است که قرآن به آنها اشارت دارد.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلْمِ اللَّيَالِي مُوَسِّئًا، وَ مِنْ نَزْغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْأَوْسَاسِ حَارِسًا، وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَاطِسًا، وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا أَفَىٰ مُخْرَسًا، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْأَثَامِ زَاجِرًا، وَ لِمَا طَوَّتِ الْعُقْلَةَ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّىٰ تُوَصِّلَ إِلَيَّ قَلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَابِيهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ اخْتِ مَالِهِ.**

امام سجاد، اگرچه صحیفه را به عنوان کتاب تفسیری اصلاً نکرده است، ولی از نکات ارزشمند تفسیری آن نمی‌توان چشم پوشید. برخی دیگر از نکات تفسیری صحیفه چنین است:

### 1. تبیین مجملات

گاهی آیه‌ای در قرآن به گونه مجمل وارد شده است و امام، در مقام مفسر قرآن، اجمال آیه را تبیین کرده است؛ مانند آیه:

۵۹. سوره حدید، آیه ۲۳.

۶۰. الصحیفة السجادیة، دعای ۲۱.

۶۱. سوره زمر، آیه ۲۷.

۶۲. سوره حشر، آیه ۲۱.

۶۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۳.

و قَضَىٰ رَبُّكَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْتَغَمَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.<sup>۶۴</sup>

امام «قولا کریماً؛ سخن شایسته» را تبیین کردند و در دعای خویش برای پدر و مادر چگونه سخن گفتن با ایشان را بیان فرمودند:

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَبِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا.<sup>۶۵</sup>

بنابراین آهسته سخن گفتن در برابر پدر و مادر، پاکیزه گویی و نرمخو بودن در برابر ایشان تفسیری از «قولا کریماً» است.

نمونه دیگر آرامش در شب است:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا﴾.<sup>۶۶</sup>

امام، در دعای خود آرامش در شب را به سکون از کوشش و فعالیت روزانه، تفسیر و تبیین کرده است:

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ النَّعْبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ.<sup>۶۷</sup>

شب در آیه‌ای دیگر، پوشش معرفی شده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِيَأْسَأَ﴾.<sup>۶۸</sup>

امام در دعای خود پوشش بودن شب را آسایش و خواب شبانه‌گاهی می‌داند که برای رسیدن به نشاط ضروری است:

وَ جَعَلَهُ لِيَأْسَأَ لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَ قُوَّةً، وَ لِيَتَأَلَّوْا بِهِ لَذَّةً وَ شَهْوَةً.

## 2. تقيید مطلقات

قرآن به گونه‌ای مطلق خودش را برای مؤمنان شفا معرفی می‌کند:

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾.<sup>۶۹</sup>

اگرچه معنای واقعی مؤمن کسی است که به فرمانهای الهی گوش فرا دهد، با این همه در صحیفه مؤمنانی از شفای قرآنی بهره‌مند هستند که از سر تصدیق به گفتار قرآن گوش فرا دهند و قرآن را با زبان ایمان بخوانند:

۶۴. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۶۵. الصحیفه السجادیة، دعای ۲۴.

۶۶. سوره غافر، آیه ۶۱.

۶۷. الصحیفه السجادیة، دعای ۶.

۶۸. سوره فرقان، آیه ۴۷.

۶۹. سوره اسراء، آیه ۸۲.

وَجَعَلْتَهُ نُورًا نُهْتَدَىٰ مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ الضَّيِّقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ.

### 3. تبیین لغات

بیان مراد از برخی صفات و لغات مشهور قرآن، نوعی دیگر از تبیین‌های قرآنی صحیفه سجاده است. فرقان<sup>۷۰</sup>، وحی<sup>۷۱</sup> قرآن، و کتاب فصلت<sup>۷۲</sup> از اصطلاحات مشهوری هستند که معانی گوناگونی در میان قرآن پژوهان دارد؛ برای نمونه، فرقان به معنای جدا کننده حق و باطل است. امام در دعای خود معنای خاص تری از فرقان ارائه می‌دهد و اعراب قرآن و تفصیل کتاب را چنین می‌شناساند:

وَفَرَقَانًا فَرَّقْتَ بَيْنَ حَلَاكٍ وَ حَرَامِكَ، وَ فُرَانًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَ كِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا.<sup>۷۳</sup>

نمونه دیگر تبیین تفسیری آیات است؛ برای نمونه، تفاسیر لغوی و روایی در باره آیه 48 سوره نجم را به اختصار مقایسه می‌کنیم:

﴿وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَقْنَىٰ﴾.

و هم اوست که بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید.

«اغنی» از ماده «غنی» به معنای بی‌نیازی<sup>۷۴</sup> است، و «اقنی» از ماده «قنیه» (بر وزن جزیه) به معنای اموال و سرمایه‌هایی است که انسان ذخیره می‌کند. بنا بر این «اغنی» به معنای برطرف کردن نیازمندی‌های فعلی است و «اقنی» به معنای بخشیدن مواهب ذخیره‌ای، مانند باغ و املاک و یا امور معنوی مانند بخشیدن روحیه رضامندی است که سرمایه‌ای فناپذیر است. امیرمؤمنان آیه را چنین تفسیر کرده است:

أَغْنَىٰ كُلَّ إِنْسَانٍ بِمَعِيشَتِهِ وَ أَرْضَاهُ بِكَسْبِ يَدِهِ؛<sup>76</sup>

خداوند هر انسانی را (با فراهم آوردن وسیله) زندگانی‌اش بی‌نیاز و به دسترنج خویش خرسندش کرد.

امام سجاد با تلمیح همین آیه، منشأ توانگر ساختن و سرمایه بخشیدن خداوند را «فضل» و «من» حق تعالی می‌داند. به دیگر سخن، برتری خداوند و نعمت سترگ اوست که انسانها سرمایه‌دار و بی‌نیاز و خرسند می‌شوند. دعای امام چنین است:

وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ؛<sup>۷۷</sup>

به فضل خویش ما را بی‌نیاز گردانید و به نعمت سترگ خود سرمایه امان بخشید.

۷۰. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (سوره فرقان، آیه ۱).

۷۱. ﴿وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (سوره فاطر، آیه ۳۱).

۷۲. ﴿كِتَابٌ فَصَّلْتُمْ آيَاتَهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (سوره فصلت، آیه ۳).

۷۳. الصحيفة السجادية، دعای ۴۲.

۷۴. العین، ص ۴۵۰.

۷۵. همان، ص ۲۱۷.

۷۶. تفسیر التمی، ج ۲ ص ۳۳۹.

۷۷. الصحيفة السجادية، دعای ۱.

نمونه دیگر از تبیین لغوی قرآن واژه «مدرار» در آیه زیر است:

﴿و يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾<sup>۷۸</sup>

مدرار - که در مذکر و مؤنث یکسان به کار می‌رود - به معنای پرباران<sup>۷۹</sup> و صفتِ موصوفِ محذوف «سحابه؛ ابر» است. پربارانی می‌تواند سودمند و یا زیان‌بار و سیل آور باشد. امام مدرار بودن ابر را چنین تفصیل می‌دهد تا برای دعا کننده اشاره‌ای به آیه قرآن باشد و از سویی، تمایز باران فراوان سیل آور و باران فراوان با برکت را دریابد. «مدرار» به کار رفته در قرآن به نافع، دائم غرزه، واسع درزه، و ایل سریع عاجل تفسیر شده است:

وَ اَمْنُنْ عَلٰی عِبَادِكَ بَابِنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ اَخِي بِلَادِكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامِ  
السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مَنِكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُرْزُهُ، وَ اَسْعِ دِرْزُهُ، وَ اَيْلٍ سَرِيْعٍ عَاجِلٍ؛  
و بر بندگانت با رساندن میوه‌ها احسان فرمای، و زمین خودت را با شکفتن گل‌ها زنده نما.  
فرشتگان خود، آن فرستادگان بزرگوار را بفرمای تا از سوی تو، بارانی سودمند و پیوسته و فراوان و گسترده و تندبار بیاورند و همه جا را سیراب سازند.

#### 4. جری و تطبیق

قرآن کتاب جاویدی است که برای همه زمانهاست. از این روی، آیه‌ای که در زمان و موردی خاصی نازل شده است، تنها برای همان زمان و مورد نیست. کشاندن معنای قرآن و انطباق آن بر مصداقی بارزتر و فراتر از مورد نزول «جری و تطبیق» نامیده می‌شود.<sup>۸۰</sup> در روایات بر جای مانده از امامان شیعه، نمونه‌های فراوانی از جری و تطبیق می‌توان یافت که امامان آیات را بر آنچه قابل انطباق است، تطبیق می‌کنند؛ اگرچه از مورد نزول آنها خارج باشد.<sup>۸۱</sup> امام سجاده نیز در صحیفه سجاده برخی از آیات قرآن را با دعاهای خود بر مصداق بارزتر آن تطبیق داده است. برای نمونه، خداوند در آیات 31 و 32 سوره فاطر، میراث بر قرآن مجید را بندگان برگزیده‌ای معرفی می‌کند که در کارهای نیک پیشگام‌اند:

﴿وَ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ اِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ  
بَصِيْرٌ ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ  
مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ اِيْدِنَ اللّٰهُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ﴾.

امام سجاده در دعای خود اهل بیت را مفسر آياتی می‌داند که برای ما مجمل است و تفسیر آن نیز به علم الهی در اختیار رسول خدا و آن‌گاه امامان بوده است:

۷۸. سوره هود، آیه ۵۲.

۷۹. درت السماء إذا كثرت مطرها، و سحابة مدرار (العين، ج ۸، ص ۶).

۸۰. ر. ک: قرآن در اسلام، ص ۶۱؛ الميزان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۷۳.

۸۱. همان.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَابِهِ مُكَمَّلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَيَّ مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يَطِقْ حَمْلَهُ.

### 5. مفاهیم و ترکیبات مشترک

گونه‌ای دیگر از ارتباط تفسیری قرآن و صحیفه، مفاهیم مشترک آنهاست. انس امام سجاد با قرآن سبب شد تا ترکیبات و مفاهیم صحیفه پرتوی از قرآن باشد؛ برای نمونه، مفاهیمی مانند استدراج<sup>۸۲</sup>، املا<sup>۸۳</sup>، مرصاد<sup>۸۴</sup>، فتنه<sup>۸۵</sup> و... تنها نمونه‌هایی از پیوند قرآن و صحیفه سجادیه است. مهم‌تر از آن، ترکیباتی است که در نگاه نخست برای خواننده پرسش‌آفرین است؛ برای نمونه، ترکیب واژه «اراده» با واژه «فتنه» و یا «سوء» است. آیا می‌توان به خداوند نسبت داد که در باره گروهی فتنه و یا آسیبی را اراده فرموده است؟ در دعای امام سجاد آمده است:

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَنْجِنِي مِنْهَا لَوْ أَدَّ بِكَ.

با دقت در آیات قرآن در می‌یابیم که این هر دو ممکن است و خداوند نیز از همین ترکیب استفاده فرموده است.

﴿وَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا﴾<sup>۸۶</sup>

و یا:

﴿وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾<sup>۸۷</sup>

بنا بر این در منطق قرآنی هیچ کس نمی‌تواند در برابر اراده خداوند بایستد و از همین روی، امام در دعای خود، راه‌هایی را پناه بردن به خدای تعالی می‌داند.

### رفع یک تعارض ظاهری

آخرین نکته در بررسی رابطه قرآن و صحیفه، عبارت‌هایی از صحیفه است که در نگاه نخست، با آیات قرآن سازگار نیست. یکی از مواردی که در ظاهر دعای امام با آیه قرآن ناسازگار است، دعای 46 است:

رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ<sup>۸۸</sup>

۸۲. الصحیفة السجادیة، دعای ۴۷.

۸۳. همان، دعای ۴۷.

۸۴. همان، دعای ۲۰.

۸۵. همان، دعای ۴۷.

۸۶. سوره مائده، آیه ۴۱.

۸۷. سوره رعد، آیه ۱۱.

۸۸. الصحیفة السجادیة، دعای ۴۶.



امام در این دعا روزی خداوند را بر گناهکاران فراگیر می‌داند، در حالی که قرآن روزی را مقدر و با اندازه می‌داند که اگر فراگیر شود، سرکشی پدید آورد:

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾<sup>۸۹</sup>

در جمع آیه قرآن و دعا می‌توان گفت که کیفر کسی که نافرمانی می‌کند، محرومیت از روزی است، ولی خداوند روزی مقدر شده گناهکاران را کاهش نمی‌دهد. بنا بر این استمرار روزی مقدر بر گناهکارانی که باید در برابر نافرمانی‌اشان محروم شوند، نوعی فراگیری روزی است. توجیه دیگری نیز می‌توان در نظر گرفت: روزی خداوند بر عاصی و مطیع گسترده است، ولی طبیعت روزی زیاد داشتن، احساس بی‌نیازی کردن است و اگر انسان به چنین آفتی گرفتار شود، طغیان می‌کند: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْتَى﴾<sup>۹۰</sup> خداوند نیز از دریچه رحمت خاص خود روزی بندگانی که بندگی او را پذیرفته‌اند، بر اساس ظرفیت‌هایشان مقدر کرده است تا سرکش و طغیانگر نشوند. این برداشت از تأمل در ترکیب «عباده» - که بندگان را به خودش اضافه فرموده است - و نیز از ادامه آیه «إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» به دست می‌آید. شاهد دیگر بر این نظریه، آیاتی از قرآن است که «بسط روزی» را برای بندگان متفاوت و در اختیار خداوند می‌داند:

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْخَيْرِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْأُخْرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾<sup>۹۱</sup>

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾<sup>۹۲</sup>

﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۹۳</sup>

در وجه جمع دیگری می‌توان گفت که مراد امام از فراگیری روزی نسبت به همگان، همان سنت «استدراج» و «املا» است، البته این توجیه چندان شایسته نیست، زیرا در نگاه ظاهری، قرآن «بسط روزی» را نفی می‌کند و امام «بسط روزی» را برای گناهکاران ثابت می‌داند. برخی شارحان نیز، بدون در نظر گرفتن ناسازگاری ظاهری عبارت دعا با آیه قرآن، از نگاه دیگری به تبیین عبارت پرداخته‌اند و بر این باورند که این عبارت کمال حلم و احسان پروردگار را نشان می‌دهد، زیرا کسی که بر گناهکاران روزی می‌گسترده، بر مطیعان بیشتر می‌بخشد.<sup>۹۴</sup> این نگاه، اگرچه زیباست، ولی پاسخ پرسش ما نیست. ما در اینجا همان نظر اول را ترجیح می‌دهیم و بر این باوریم که رابطه میان قرآن و صحیفه در این موضوع و

۸۹. سوره شوری، آیه ۲۷.

۹۰. سوره علق، آیه ۶ و ۷.

۹۱. سوره رعد، آیه ۲۶.

۹۲. سوره اسراء، آیه ۳۰.

۹۳. سوره شوری، آیه ۱۲.

۹۴. ریاض السالکین، ج ۶ ص ۲۲۱.

در این عبارت هم کاملاً سازگار است. خداوند روزی مقدر شده خود را بر مطیع و عاصی گسترانده است و با نافرمانی گناهکار، روزی‌اش را نمی‌گیرد و از سوئی، بیش از روزی‌اش نیز به او نمی‌بخشد تا سرکشی‌اش افزون شود. نمونه دیگری که در نگاه نخست، پرسش آفرین است، دعای امام سجاد در باره شیطان است. امام فرمود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَوْلَ سُلْطَانَةِ عَنَّا، وَ اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَ اذْرَاهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا.<sup>۹۵</sup>

در عبارت امام، نوعی سلطه و چیرگی برای شیطان ثابت شده است و امام از خدا درخواست می‌کند که شیطان را بر ما مسلط نکند. اما در قرآن کریم شیطان بر کسی سلطه ندارد: «مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ»<sup>۹۶</sup> دو جمله «وَ حَوْلَ سُلْطَانَةِ عَنَّا» با «مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ» تنافی دارند، اما با اندکی تأمل می‌توان زیبایی بلاغی امام در این جمله را دریافت. امام از وسوسه شیطان به خدا پناه برده است؛ زیرا شیطان همگان را وسوسه می‌کند، ولی اولیای خدا در برابر وسوسه‌های او مقاومت می‌کنند و در نتیجه، شیطان بر آنها مسلط نمی‌شود. امام در این درخواست از خداوند توفیق می‌خواهد تا مقدمات و اسباب کار آن چنان مهیا شود که راهی برای چیرگی شیطان باقی نماند. قرآن نیز شیطان را بر کسانی مسلط می‌داند که خود راه را برای تسلط او هموار کرده‌اند:

﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾.<sup>۹۷</sup>

تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می‌ورزند.

## نتیجه

نتیجه بررسی تضمین‌ها، تلمیح‌ها و نکات تفسیری، هم‌نوایی قرآن و صحیفه سجادیه را به ارمغان می‌آورد. هم‌نوایی این دو اثر نشان می‌دهد که منبع مشترکی هر دو را آفریده است. کلمات دعایی صحیفه را شخصی کنار هم نهاده است که قرآن در جانش نشسته است. اشارات او اشارات قرآن، مفاهیم مفاهیم وحی و ترکیباتش، از قرآن جدانشدنی است. تأکیدات، آهنگین بودن کلمات، و واژگان مشترک و شناخته شده از نمونه‌های ساختاری همسان قرآن و صحیفه است. روح مشترک این دو اثر آن چنان است که درخواست‌ها همان درخواست‌های قرآن است. امام برتری و رفعت می‌طلبد،<sup>۹۸</sup> اما همان رفعتی را که قرآن شایسته می‌داند.<sup>۹۹</sup> امام خدا را می‌خواند،<sup>۱۰۰</sup> اما با همان شیوه‌ای<sup>۱۰۱</sup> که خدا فرموده

۹۵. الصحیفه السجادیة، دعای ۱۷.

۹۶. ابراهیم، آیه ۲۲.

۹۷. سوره نحل، آیه ۱۰۰.

۹۸. الصحیفه السجادیة، دعای ۴۷: وَ ارْزُقْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ اَغْنِنِي عَنْهُ هُوَ غَنِي عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فُقْرًا.

۹۹. سوره زخرف، آیه ۳۲: ﴿أَوْ زَفْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾.

۱۰۰. دعای ۴۷: وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِبِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خَيْفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّذًا وَ تَلَوُّذًا.

است. امام خود و خانواده را از شرّ شیطان در پناه قرآن قرار می‌دهد،<sup>۱۰۲</sup> آن‌سان که قرآن دستور داده است.<sup>۱۰۳</sup> حتی مبارزه منفی امام با دشمنانش نیز برگرفته از آموزه‌های قرآنی است. امام در دعای 48، مشروعیت خلفایی را که در جایگاه امامان نشسته‌اند، به چالش می‌کشد و سپس آنان را لعنت می‌کند. در منطق قرآنی، آزار دهندگان خدا و پیامبر<sup>۱۰۴</sup>، کتمان کنندگان نشانه‌های روشن هدایت،<sup>۱۰۵</sup> دروغگویان<sup>۱۰۶</sup> و ستم‌کاران<sup>۱۰۷</sup> شایسته لعن و نفرین‌اند. کسانی که رابطه ژرف قرآن و صحیفه را دریافته‌اند، بی‌گمان مفهوم لعنت را در کلام امام در می‌یابند:

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ.<sup>۱۰۸</sup>

نمونه دیگری که بیانگر روح مشترک قرآن و صحیفه سجاده است، رابطه رضامندی و میزان اعتماد انسان به دانش الهی است. در قرآن می‌خوانیم:

﴿عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.<sup>۱۰۹</sup>

خوش و ناخوش دانستن کارها از آن روست که انسان از حکمت الهی آگاهی ندارد و چنانچه به حکمت الهی دست یازد، بی‌تردید، تحمل مشکلات برای انسان آسان خواهد شد. قرآن مجید سبب ناخشنودی انسان از گرفتاری‌ها را بی‌اطلاعی از علم الهی می‌داند و امام سجاد نیز در دعای خود می‌خواهد تا اطاعت محض خدا نصیب وی شود؛ به گونه‌ای که خوشنودی و ناخشنودی‌اش با خواست الهی همسان شود:

وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئَتِكَ حَتَّىٰ لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ، وَ لَا تَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ، وَ لَا تَتَّخِرَ مَا كَرِهْتَ.

نکته زیبا در این دعا، در کنار آیه یاد شده، بیانگر آن است که انقیاد و اطاعتی ما را به مقام رضا می‌رساند که از روی علم باشد و هر چه علم انسان به خداوند افزون شود، واکنش‌هایش در برابر ناملازمات زندگی نیز تغییر می‌کند. انسان عالم و وظیفه‌شناس، به آنچه خدا از او می‌خواهد تن می‌دهد و

۱۰۱. سوره اعراف، آیه ۵۵: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾.

۱۰۲. دعای ۳۳: وَ أَعِزَّنِي وَ ذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

۱۰۳. سوره آل عمران، آیه ۳۶: ﴿إِنِّي أَعِذُّهَا بِكَ وَ ذَرِّبْتُهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.

۱۰۴. سوره احزاب، آیه ۵۷: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾.

۱۰۵. سوره بقره، آیه ۱۵۹: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْمَلَائِكَةُ﴾.

۱۰۶. سوره آل عمران، آیه ۶۱: ﴿فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾.

۱۰۷. سوره هود، آیه ۱۸: ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾.

۱۰۸. الصحیفه السجادیة، دعای ۴۸.

۱۰۹. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

هر چه را برایش پیش آید، دوست می‌دارد؛ زیرا: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ.

### کتابنامه

- *تاریخ الامم و الملوك* (تاریخ الطبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالفکر، 1407ق.
- *ترتیب مقایس اللغه*، احمد بن فارس، ترتیب و تنقیح: علی عسکری، حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387.
- *تفسیر القمی*، علی بن ابراهیم قمی، قم: موسسه دارالکتاب، 1404ق.
- *دانشنامه عقاید اسلامی*، محمد محمدی ری‌شهری و همکاران، قم: دارالحدیث، 1385.
- *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، سید علیخان مدنی شیرازی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1415ق.
- *الصحیفه السجادیة*، علی بن الحسین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1363.
- *العین*، خلیل بن أحمد فراهیدی، قم: مؤسسه دارالهجره، 1409ق.
- *فرهنگنامه ادبی فارسی*، حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، 1376، ص 372.
- *قرآن در اسلام*، محمد حسین طباطبایی، مشهد: طلوع، بی‌تا.
- *لسان العرب*، ابن منظور، محمد بن مکرم، قم، نشر ادب الحوزه، 1405ق.
- *مراتب انس با قرآن در روایات*، اصغر هادوی کاشانی، فصلنامه علوم حدیث، شماره 13، 1378.
- *مکاتب تفسیری*، علی اکبر بابایی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، 1381، اول.
- *المیزان فی تفسیر القرآن*، محمد حسین طباطبایی قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417ق.